تهیه و تنظیم:
مهندس اکبر شیرزاده

پژوهشی در نساجی ایران دوران مشروط

تصویر شماره ۱- امین الدوله



دفن شد.

مجدالملک از رجال خوشنام دوره ناصری بود و از خطاطان و نویسندگان ارزنده زمان خود به شمار می‌آمد. گواه هوشیاری او «رساله مجدیه» است که با فکری روشن و بیانی ساده اوضاع ایران را در اواسط زمان ناصرالدین‌شاه تشریح و انتقاد نموده و با دقت و نکته‌سنجی، معایب و نواقص امور را نشان داده است. وی همچنین عبارات غرض‌آلود و نیش‌داری هم نسبت به میرزا یوسف مستوفی‌الممالک به کار برده است.

این رساله از حیث هنر نویسندگی، یکی از نوشته‌های قابل توجه دوره ناصری است. ملک‌الشعرای بهار، مجدالملک را از متجددان و فضیلا عصر ناصری دانسته و استاد سعید نفیسی این رساله را از شاهکارهای نثر فارسی در قرن سیزدهم هجری شمرده است.

میرزا علی‌خان امین‌الدوله در سایه تربیت چنین پدری پرورش یافت، خط خوب و انشاء مرغوب

سومین شخصیت از رهبران مشروطه - میرزا علی‌خان امین‌الدوله - است که در تصویر شماره ۱ مشاهده می‌گردد. این عکس نگاه عمیق وی با چهره گشاده و لباس پشمی سیاه‌رنگ از نوع مرغوب با آرایش ریش و صورت متین و کلاه سیاه قجری از جنس پشم را نشان می‌دهد.

ایرانیان، بنیانگذار بافت پارچه‌های پشمی و ابریشمی بوده و طراحی و نمایش پارچه روی بدن انسان‌ها را با دقت دنبال کرده و به جهانیان بافت پارچه را یاد دادند.

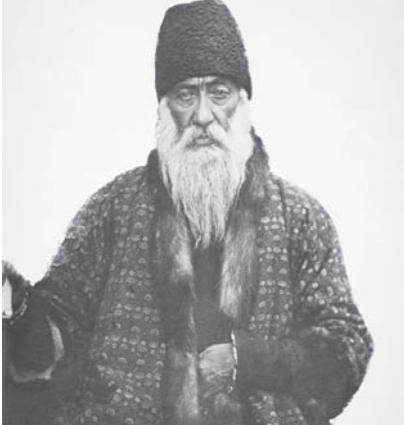
پرچم امپراتوری روم را ایرانیان طراحی کردند، بافتند و تحویلشان دادند. رنگ‌های گیاهی و حیوانی و نمایش سه رنگ اصلی یعنی آبی، زرد و قرمز و ترکیب دو به دو آنها و ایجاد رنگ سبز و بنفش و نارنجی در کنار هم به اضافه رنگ خاکستری، مشکی و قهوه‌ای را که جمعاً ۱۰ رنگ زیبا می‌باشد به روی فرش‌ها و پارچه‌های خود به نحو مطلوب و جذاب پیاده کردند و به این شکل گوی سبقت از دیگران ربودند. پارچه‌های قدیمی ایران همچنان در موزه‌های بزرگ و معروف آمریکا و اروپا به نمایش درمی‌آید.

میرزا علی‌خان فرزند میرزا محمدخان سینکی (مجد الملک) و خواهرزاده میرزا آقاخان اعتمادالدوله نوری) است که خدمات دولتی را از پیشکاری مهدعلیا (مادر ناصرالدین شاه) آغاز کرد و پس از طی مدارج مختلف خدمت و مأموریت‌های داخل و خارج کشور در سال ۱۲۸۹ به وزارت وظایف و اوقاف منصوب شد و تا پایان عمر در این مقام باقی بود. وی سال ۱۲۹۹ هجری قمری در سن ۷۴ سالگی فوت کرد و در حرم حضرت عبدالعظیم

را از وی آموخت و به اقتضای استعداد فطری و مقتضی زمان، از پدر پیشی گرفت. میرزا علی‌خان سال ۱۲۶۰ قمری در تهران متولد شد و مبادی تحصیلات فارسی و عربی را در تهران فرا گرفت. پس از آن که مجدالملک از مأموریت مراجعت کرد و به‌عنوان کارپرداز سفارت ایران مأمور بغداد شد، میرزا علی‌خان را همراه خود به بغداد برد. در این سفر سطح معلومات وی به خصوص در زبان عربی افزایش یافت، علوم ادب را فرا گرفت و خط حسن و انشاء را نزد پدر تکمیل کرد.

در آن زمان تسلط کامل به زبان فارسی و دانستن مقدمات عربی برای اشراف‌زادگان ضروری بود به همین مناسبت می‌بینیم رجال دوره ناصری اغلب ادیب و نویسنده و خوش خط بوده‌اند، به اقتضای ذوق و قریحه خود در ترویج شعر و ادب شاعران و نویسندگان می‌کوشیدند، متاع دانش را ارج می‌نهادند و ارباب قلم و دانشمندان را گرمای می‌داشتند.

مجدالملک در سال ۱۲۸۲ قمری از بغداد مراجعت کرد و به کارپردازی آذربایجان مأمور شد. میرزا علی‌خان نیز در خدمت او بود. در تبریز به امر پدر نزدیک معلم ارمنی به نام «اساطور» زبان فرانسه را آموخت و تسلطی در این زبان به هم رسانید. در سال ۱۲۸۵ قمری، مجدالملک به نیابت تولیت آستان قدس رضوی مأمور شد. در این هنگام میرزا علی‌خان، به‌عنوان جوانی تحصیلکرده مورد توجه دولتمردان بود. وی به وسیله پاشاخان امین‌الملک (دایی خود) به حضور ناصرالدین شاه معرفی شد. شاه که این قبیل جوانان با قریحه و دانشمند را دوست می‌داشت به وی به لقب «منشی حضور» داد و



نام «کنت آنتوان دومونت فورت» ایتالیایی که در خدمت امپراطوری اتریش بود، برای اصلاح سازمان تأمینات وارد ایران و با عنوان ریاست پلیس تهران مشغول به کار شد.

کنت دومونت فورته، در سال ۱۲۵۷ خورشیدی، اولین تابلوی پلیس را در ابتدای خیابان الماسیه (باب همایون) بر سر در عمارت پلیس نصب کرد «داره جلیله پلیس دارالخلافه واحتماسیه». ناصرالدین شاه که روز افتتاح پلیس دارالخلافه شخصاً حضور داشت و دارای ذوق شعرهم بود این رباعی را سرود و به صورت اعلان در تهران پخش کردند:

رندانه حذر کنید یاران ز پلیس

یک مو نرود بخرج آنان تدلیس

در محبس کنت دومونت فورته خواهد ماند

بر چرخ اگر خطا نماید برجیس

همچنین به دعوت شاه، یک سرهنگ و چند افسر روس که از پطرزبورگ برای تشکیل فوج قزاق وارد تهران شدند و کار خود را آغاز کردند. (فوج قزاق در زمان ناصرالدین شاه تحت فرمان شاه و وزیر جنگ بود اما پس از قتل شاه دیگر به وزارت جنگ اعتنا نداشت و خود را فوجی از قشون روسیه و مأمور اجرای مقاصد آن دولت می دانست)

شاه پس از این سفر به فکر تشکیل یک مجلس شورای دولتی افتاد و می خواست به تناسب مقتضیات ایران امور کشور را به تدریج از اراده فردی خارج نماید لذا این مجلس را تشکیل داد و امین الملک را به سمت مدیر مجلس و واسطه ابلاغ حکم و پیغام های خود منصوب و مقرر نمود هفته ای دو روز شورای وزیران تشکیل شود.

در ابتدا، مجلس وزیران به اشخاصی چون کامران



و در سفر به عتبات با سمت منشی و پیشخدمت مخصوص، جزو ملازمان رکاب شاه بود.

پس از مراجعت از سفر عتبات، میرزا علی خان با دختر دایی خود (فرزند پاشاخان امین الملک) ازدواج کرد. بعد از فوت پاشاخان، ناصرالدین شاه که هوش و درایت منشی حضور را سنجیده بود او را به لقب امین الملک مفتخر ساخت و به تقرب وی افزود تا جایی که در امور کشوری و سیاسی طرف مشورت شاه قرار می گرفت و وزارت رسائل به وی تفویض گردید.

در سال ۱۲۹۰ قمری ناصرالدین شاه به تشویق و به اتفاق میرزا حسین خان سپهسالار عازم فرنگستان شد. میرزا علی خان هم ملترزم رکاب بود و نشان ها، هدایا و تحفه هایی را که شاه برای پادشاهان، روسا و وزرای کشورهای اروپا می برد، به وی سپرد. در اروپا به امین الملک مأموریت داده شد که وسایل جدیدی برای ضرابخانه ایران خریداری نماید. تا آن زمان پول ایران به اندازه های نامناسب و عیار مختلف در مراکز استان ها شناخته می شد و نسبت هایی هم درباره کمبود عیار و کسر اثاث ضرابخانه به بصیرالملک می دادند و او را متهم به سوءاستفاده می کردند.

پس از مراجعت شاه و فوت معیرالملک، کار ضرابخانه به میرزا علی خان امین الملک واگذار شد و با تلاش او ضرابخانه مجهز به سکه های زیبای طلا و نقره ایجاد و با حضور شاه افتتاح شد. در این مراسم، شاه از امین الملک قدردانی نمود و سرداری و شمشیر مرصع خود را به او خلعت داد. در همین اوقات یک متخصص امور پستی از اتریش به ایران آمده بود اما هنوز کاری انجام نداده بود. شاه به

آقا ابراهیم امین السلطان (پدر اتابک) و امین الملک دستور داد مسئولیت تأسیس اداره پست را برعهده بگیرند.

امین السلطان عذر خواست ولی امین الملک که در امور چاپاری تجربه داشت، امر شاه را پذیرفت و بدون آن که پولی بر بودجه دولت تحمیل کند، اداره پست را مطابق فهرست کارشناس پستی، برعهده گرفت و پست ایران در قالب جدید دایر شد. بنابر فرمان شاه اداره لیست و منافع احتمالی آن او واگذار شد. در آن زمان پست ایران به سازمان پست بین المللی پیوست و مبادلات و بروات پستی با کشورهای اروپایی شروع شد. اولین تمیر پستی ایران با نقش شیر و خورشید به همت کارشناس اتریشی در سال ۱۲۹۲ قمری منتشر شد.

در سال ۱۲۹۵ قمری، خبر تشکیل اکسپوزیسیون پاریس به ایران رسید. شاه تصمیم گرفت بار دیگر به سفر فرنگ برود ولی می خواست این سفر خصوصی و خالی از تشریفات و تکلف رسمی باشد تا ترقیات اروپا و نظام زندگی جدید را بهتر مشاهده کند. امین الملک قبل از سفر شاه برای شرکت در مراسم عزاداری ویکتور امانوئل به ایتالیا رفته بود و ضمن بازدید از چند کشور اروپایی، درباره مسافرت شاه و برنامه آن مذاکره کرده بود؛ مطالبی نیز در روزنامه های اروپایی در مورد ایران و شخصیت شاه ایران منتشر شد.

با شروع سفر ناصرالدین شاه، امین الملک تا قفقاز به استقبال آمد با آن که سفر شاه غیر رسمی بود ولی در روسیه از وی با تشریفات بسیاری پذیرایی شد. سپس به آلمان رفت و هنگام اقامت در برلن، ویلهلم دوم مورد سوء قصد قرار گرفت لذا شاه پس از یک توقف کوتاه به فرانسه رفت و غرفه ایران در اکسپوزیسیون پاریس (که تحت نظر سعدالدوله تنظیم شده بود)، را افتتاح کرد و دو روز بعد راهی اتریش شد. در همه جا امین الملک جزو ملتزمین و خواص شاه بود.

ناصرالدین شاه هنگامی که به اروپا سفر کرد و پلیس های خوش لباس و منظم شهرهای بزرگ اروپا را دید، به فکر افتاد که به دستگاه تأمینات ایران سروسامانی دهد. به همین جهت از اتریش که نسبت به ایران یک مملکت بی طرف بود، مستشاری خواست و طولی نکشید که فردی به



امین‌الملک که با صداقت و مصلحت‌اندیشی‌های خیرخواهانه روز به روز توجه شاه را بیشتر به خود جلب می‌کرد؛ در سال ۱۲۹۹ قمری به وزارت وظائف و اوقاف منصوب و به عنوان امین‌الدوله ملقب گردید. لقب امین‌الملک به میرزا علی‌اصغرخان صاحب‌جمع و مباشر دواب (فرزند آقا ابراهیم امین‌السلطان) داده شد. (مقصود میرزا علی‌صغرخان اتابک از زمامداران مشهور دوره اخیر است)

امین‌الدوله در سال ۱۳۰۴ قمری راست مجلس وزیران را برعهده گرفت. ناصرالدین شاه طرح‌های قانونی ملکم و سایر طرح‌هایی که قبلاً سپهسالار تقدیم کرده بود به امین‌الدوله داده و به وی مأموریت داد یک کتابچه قانون جامع بنویسد که با مقتضیات کشور سازگار باشد، جلوی تعدی و تجاوز زورمندان را بگیرد و در ایران قابل اجرا باشد.

امین‌الدوله با استفاده از افکار ملکم‌خان و دیگر طرح‌هایی که در اختیار داشت، کتابچه قانون خود را به طوری جامع تنظیم کرد که مورد تحسین شاه و اعجاب همگان قرار گرفت ولی این طرح قانونی چون مخالف منافع طبقه حاکمه بود و قدرت شاه را محدود می‌کرد هرگز اجرا نشد.

یکی دیگر از اقدامات امین‌الدوله که به دستور شاه انجام گرفت، دفتر مهر و تمبر مخصوص برای ثبت کلیه نوشته‌های شرعی، عرفی و تجاری و تنظیم مقررات برای ثبت اسناد بود تا مانع دعوای و مدافعات شود. این امر که مردم را نسبت به استحکام معاملات امیدوار می‌کرد، مخالفت شدید جمعی از افراد را به همراه داشت چون ثبت و مهر دولتی را به منزله مداخله دولت در کار محاکم شرع دانسته و این عمل را اهانت به مقام روحانیت و حکومت شرعی تلقی نمودند لذا علی‌رغم تلاش‌های فراوان امین‌الدوله این طرح مفید هم اجرا نشد و متأسفانه دامنه دعوای حتی پس از مشروطه و تشکیل محاکم قانونی و پس از تجدید سازمان عدلیه به وضع حیرت‌آوری روز به روز گسترش یافت، تأسیس سازمان ثبت اسناد و املاک هم نتیجه معکوس داد و به این ترتیب تجاوز به املاک مردم و دولت به صورت قانونی درآمد.

در این سال‌ها به دنبال فتنه‌هایی که در گوشه و کنار مملکت برانگیخته و خاموش شده بود، دولت

فتنه شیخ عبیداله نه تنها بی‌کفایتی کامران میرزا را اثبات کرد بلکه ناتوانی و بی‌تدبیری مظفرالدین میرزا ولیعهد را بیش از پیش آشکار کرد. شاه نمی‌دانست با این ولیعهد ساده لوح و نادان چه کند لذا بر آن شد وی را از مقام ولیعهدی عزل نماید و به استانداری کرمان بفرستد به همین منظور ولیعهد به تهران احضار شد ولی او هم مانند برادر خود با لطائف الحیل فراوان، شاه را از این نیت منصرف ساخت. از مطلعین شنیده شد که شاه مصمم بود در جشن پنجاهمین سال سلطنت خود ولیعهد را تغییر دهد اما زمانه به او این فرصت را نداد.

یکی دیگر از اقدامات شاه بعد از سفر دوم به فرنگ، راه‌سازی و ایجاد مهمانسرا در بین راه‌ها بود. راه کالسکه‌رو تهران به قم و تهران به قزوین و مهمانخانه‌ای که بین راه قم و تهران به مباشرت امین‌السلطان ساخته شد؛ نتیجه این فکر بود. برای ساختن راه تهران به رشت نیز امین‌الدوله کمک کرد و مبالغی هم متضرر شد. سرانجام ختم این کار به آقا باقر اصفهانی (یکی از بستگان امین‌السلطان) واگذار شد.

امین‌الملک هنگامی که راهی سفر اروپا بود، حاجی محمدحسن اصفهانی را که بعدها به امین‌الضرب معروف شد به سرپرستی ضرابخانه گماشت. امین‌الضرب به تدریج با آقا ابراهیم امین‌السلطان هم‌دست و همداستان شد و شاه را راضی کردند با تقدیم سالی ۲۵ هزار تومان به دولت، ضرابخانه را در اختیار حاج محمدحسن بگذارند.

میرزا نایب‌السلطنه اخطار می‌داد و به شکایات مردم رسیدگی می‌کرد. محاکمات عمده که در دیوان عدالت به واسطه اعمال نفوذ متنفذان معوق می‌ماند، در شورای وزیران حل و فصل می‌شد و شاه به تصمیمات این مجلس صحنه می‌گذارد و در تقویت آن می‌کوشید ولی به تدریج قدرت مجلس کاهش یافت و پس از فتنه شیخ عبیداله در کردستان، مجلس شورای وزیران منحل و مجلس دیگری مرکب از وزیران و درباریان به جای آن تشکیل شد.

فتنه شیخ عبیداله حادثه بر اثر خبط میرزا احمدخان مشیرالسلطنه و نادانی و سودطلبی اطرافیان ولیعهد بود. میرزا حسن‌خان سپهسالار هم برای آرام کردن این فتنه رفت و چندان کاری از پیش نبرد. این طغیان مدتی کارهای دولت را مختل کرد تا عاقبت به تدبیر یا خدعه حسنعلی‌خان امیرنظام گروسیبی این غوغا خاموش شد و مشیرالسلطنه تا زمان مظفرالدین شاه مغضوب و خانه‌نشین بود.

این حادثه ناصرالدین شاه را سخت متنبه کرد و مجلس وزیران تصمیم گرفت نایب‌السلطنه طماع و بی‌کفایت را از فرماندهی قشون ایران خلع کرده و ظل‌السلطان را به جای او بگمارد. شاه این نیت را محرمانه با وزیرانش در میان نهاد ولی یکی از وزراء کامران میرزا نایب‌السلطنه را از ماجرا آگاه ساخت و به این ترتیب با تلاش و پیگیری او و همچنین تعلق خاطر شاه به کامران میرزا، این قضیه مسکوت ماند.



و مرز به سلطنت ادامه می‌داد تا به دنبال یک توطئه خارجی ترور شد. در این حادثه، اتابک امنیت پایتخت و آرامش کشور را به کمک رئیس قزاق‌خانه حفظ کرد تا مظفردالدین شاه با جمعی از اطرافیان کوتاه‌نظر و طماع و بی‌اطلاع که ۴۰ سال در تبریز دور او را گرفته بودند، سال ۱۳۱۴ تاج‌گذاری کرد و امین‌السلطان را که محور قدرت ایران بود به لقب اتابک اعظم ملقب نمود. شاه در آغاز کار، سخنانی را که حاکی از حریت فکر و علاقه‌مندی به نشر معارف و اصلاحات کشوری بود به زبان آورد و مردم به او امیدوار شدند.

امین‌الدوله در زمان صدارت خود به دستور شاه برای ایجاد کارخانه قند کهریزک و کبریت‌سازی و بعضی امور دولتی در حدود ۲۰۰ هزار تومان قرض کرده و آن قرض به دوش خودش مانده بود. ناگزیر عمارت محل بانک شاهی را که متعلق به همسرش بود، فروخت و قرض خود را ادا نمود؛ سپس از تهران به بیلاق الهی رفت ولی پس از چندی از طرف شاه فرمانی رسید که در اطراف پایتخت بماند لذا به لشت نشاء کوچ کرد.

در همین اوقات موسیو نوز بلژیکی و دو کارشناس گمرک وارد ایران شدند و آنها هم اسباب دست اتابک و مجری نظرات روس در امور گمرک شدند. امین‌الدوله از این پس به قصد سفر مکه از شاه کسب اجازه نمود و از طریق قفقاز و دریای سیاه به مکه مشرف شد و پس از بازگشت به ایران در لشت‌نشاء رحل اقامت افکند. در این اوقات بود که شاه پس از مراجعت از ف رنگ به وی دستور داد از ایران خارج شود. او به ناچار به اتفاق خانواده از گیلان راه قفقاز را پیش گرفت و به داغستان رفت. در داغستان، ملاعبدالرحیم طالب‌اف -نویسنده کتاب سفرنامه ابراهیم بیگ- از وی تجلیل کرد. امین‌الدوله برای درمان درد کلیه به اتریش رفت و مدتی در بیمارستان بستری بود اما معالجات موثر نشد و ناچار به داغستان بازگشت. در این هنگام اتابک معزول شده و از ایران رفته بود، حکیم‌الملک در رشت فوت کرده بود و دیگر امین‌الدوله هم علیل و شکسته بود و توان مخالفت و سرسختی نداشت. شاه ضمن تلگرافی از او دلجویی کرد و اجازه داد به ایران بازگردد. (منبع: بخشی از کتاب رهبران مشروطه نوشته ابراهیم صفایی)

کرد و امین‌الدوله باز هم جزو همراهان شاه بود. او در این سفر با میرزا ملکم خان مناسبات صمیمانه‌ای پیدا کرد. بعدها در سال ۱۳۱۶ قمری، پس از این که میرزا ملکم خان به دلیل حقه‌بازی و سوءاستفاده حدود ۹ سال بیکار بود، به توصیه امین‌الدوله و موافقت مظفردالدین شاه به سفارت ایران در رم منصوب شد و تا آخر عمر در این سمت باقی بود. به هر حال امین‌الدوله از مشاهده اوضاع عمومی و نظم اجتماعی اروپا و ترقیات حیرت‌آور اروپا درس‌های بسیاری گرفت. راز پیشرفت اروپا و عقب‌ماندگی مشرق زمین به خصوص ایران را فهمید و بر آن شد تا به حد توان خود با جهل و نادانی مبارزه کند.

شاه پس از مراجعت، گرفتار تبلیغات سوء ملکم و سیدجمال‌الدین و یازان ودستان ایرانی و همچنین تحریکات انگلیس و عثمانی شد. سپس واقعه تظاهرات ضد قرارداد انحصار توتون و تنباکو پیش آمد. گروهی با احساس وطن‌خواهی و جمعی برای مخالفت با سیاست انگلیس به پا خاستند. حاج میرزا حسن آشتیانی با هدف حمایت از نظریات سفارت روس و حاج کاظم ملک‌التجار به منظور آشوب‌طلبی و دوستی با روس، مردم را برانگیختند و مقاومت عجیب مردم بر ضد قرارداد به وقوع پیوست. پس از دو سال کشمکش قرارداد رژی لغو شد و ناصرالدین‌شاه به خط خود نوشته‌ای دارد و متعهد شد ۵۰۰ هزار لیره خسارت به شرکت بپردازد. این مبلغ با استقراض از بانک شاهی فراهم شد و مدت این قرض ۴۰ سال بود و درآمد گمرک جنوب ایران در گروی این قرضه قرار گرفت. جز آن که لغو قرارداد رژی یک ضربه بزرگ به حیثیت دولت ایران بود، وقوع این حادثه دولت انگلیس را مصمم به مخالفت جدی با ناصرالدین‌شاه و امین‌السلطان نمود.

ناصرالدین‌شاه نیز از این واقعه و از بدنامی و خسارات ایجاد شده بسیار افسرده و مغموم بود و از آن پس تلاش می‌کرد ملالت خاطر خود را با گردش و شکار از بین ببرد. امین‌السلطان که پیش از این متکی به دوستی انگلیسی‌ها بود ناچار دست به دامن روس‌ها شد و حمایت آنان را نسبت به خود جلب نمود. این سیاست جدید در ایران پیش می‌رفت و شاه با سیاست‌های خارجی کج‌دار

بی‌پول شده بود. یک بازرگان روس به تهران آمد و با وساطت محمدحسن خان اعتمادالسلطنه -مترجم مخصوص شاه و از طرفداران سیاست روسیه- پیشنهاد پنج کرور تومان قرضه به شاه تقدیم داشت. ناصرالدین‌شاه که از قرضه خارجی هراس داشت به هیچ وجه زیربار نرفت و این قرضه را نگرفت. در خلال این احوال و مضیقه مالی و بی‌پولی مداخل مشروع و نامشروع حاجی محمدحسن خان مورد توجه نایب السلطنه شده برای آن که نزد شاه تقرب جوید و نفعی هم عاید خود کند، تدبیری اندیشید و شایع بود که حاجی محمدحسن روزانه دو هزار و پانصد تومان خالص از ضرابخانه، عایدات می‌برد. با این حال فقط سالی ۲۴ هزار تومان به دولت می‌داد و برای همان هم حساب‌سازی می‌کرد. طمعکاران بسیاری چشم به منافع ضرابخانه دوخته بودند و یکی از آنها ولی‌خان نصرالسلطنه تنکابنی (سپهدار) بود که با نایب السلطنه خصومت داشت. وی به شاه پیشنهاد داد که ضرابخانه را سالی ۱۲۰ هزار تومان اجاره و ۱۰ هزار تومان به حضور همایونی تقدیم نماید.

حاج محمدحسن با اتکا به دوستی و پیشکشی‌هایی که به امین‌السلطان می‌داد؛ هیچ‌گاه فکر نمی‌کرد ضرابخانه را از دست وی بگیرند ولی شاه که قبلاً از آقا ابراهیم امین‌السلطان مطالبی راجع به سوءاستفاده و تقلب‌های حاج محمدحسن شنیده بود و اکنون در مضیقه مالی به سر می‌برد، با پیشنهاد کامران میرزا موافقت کرد و ضرابخانه را از وی گرفت و به ولی‌خان اجاره داد. اگرچه حاج محمدحسن و امین‌السلطان پس از یک‌سال نصرالسلطنه را متهم نمودند که در عیار کم و کسر کرده است. این تهمت به اثبات رسید لذا نصرالسلطنه معزول و منزوی شد و کار ضرابخانه به دست امیرهمایون افتاد که او هم بعد از یک‌سال کنار رفت و حاج محمدحسن دوباره بر مرکب مقصود سوار شد!

در سال ۱۳۰۵ قمری شاه به جبران لغو قرارداد راه‌آهن، امتیاز بانک شاهی و نشر اسکناس را به «بارون دو رویتر» داد. سرمایه این بانک یک میلیون لیره استرلینگ بود و به این وسیله انگلیسی‌ها نفوذ اقتصادی خود را در ایران پیش بردند. در سال ۱۳۰۶ قمری، شاه به تشویق اتابک و به دعوت چندین کشور سفر سوم فرنگ را آغاز